

«تلماسه» و امدار مفهوم «منجی»

نسرین محمودی برمسی^۱

مهدی پرهام^۲

چکیده

فیلم تلماسه اثری برجسته در ژانر علمی - تخیلی است و روایت کشمکش خاندان‌هایی در کهکشان‌های ناشناخته را نقل می‌کند که با یکدیگر بر سر تصاحب و حفظ قدرت پیکار می‌کنند. پیچیدگی داستان‌سرایی و ژرفای نمادگرایی فیلم به همراه بهره‌مندی از عناصر فرهنگی - مذهبی گوناگون، برای تحلیل‌های مختلف از جمله بررسی شباهت‌ها و تحریف‌های مذهبی زمینه‌سازی می‌کند. با تمرکز بر موضوعات آخرالزمانی و نقش مذاهب در شکل‌گیری جوامع آینده، فیلم تلماسه حول محور «منجی» سؤالات مهمی را درباره دین، قدرت و آینده بشریت مطرح می‌سازد. مقاله حاضر با اشاره به عناصری مانند قرینه‌سازی، و خیال‌پردازی، بازتاب سه دین بزرگ یهود، مسیحیت، و اسلام، و نیز اصطلاحات و مفاهیم اخذ شده از هر یک را در فیلم تلماسه بررسی می‌کند. بررسی انجام شده مشخص می‌سازد که این فیلم، پاره‌ای از آنچه را در ابعاد معنوی و اخلاقی آیین‌های سه دین بزرگ شناخته شده است، در چارچوب مطالبات قدرت‌طلبانه و سیاسی می‌گنجانند و سعی دارد مفهوم «منجی» مذهبی را از پیوند با مقوله‌هایی مانند عدالت اجتماعی و معنویت به سوی اراده‌گرایی منفعت‌جویانه منحرف کند. گره‌خوردگی دنیاطلبی با مسائل آیینی در این فیلم چنان اتفاق می‌افتد که گویی هدف سازنده نوعی «تقدس‌زدایی» از برخی مفاهیم دینی است.

کلیدواژه‌ها: تلماسه، یهود، مسیحی، اسلام، منجی، تحریف.

^۱. استادیار گروه زبان انگلیسی - واحد گرمسار

mahmoudi2021@yahoo.com

^۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی - واحد اسلامشهر

mehdiparham2000@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۰۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۱۴

مقدمه

فیلم تلماسه به کارگردانی دنی ویلنوو^۱ یکی از برجسته‌ترین آثار علمی - تخیلی دهه اخیر است که با اقتباس از رمان مشهور فرانک هربرت^۲ (۱۹۶۵) تولید شده است. فیلم تلماسه^۳ داستانی علمی - تخیلی در آینده‌ای دور را روایت می‌کند؛ جایی که یک کهکشان توسط خاندان‌هایی قدرتمند اداره می‌شود. این جهان به ماده‌ی ارزشمند «اسپایس»^۴ وابسته است که توانایی سفرهای فضایی، پیش‌بینی آینده و گسترش آگاهی را فراهم می‌سازد. سیاره‌ی بیابانی آراکیس^۵ تنها منبع تولید اسپایس است و کنترل آن، به مرکز رقابت و نزاع میان خاندان‌های قدرتمند تبدیل می‌شود.

خاندان آترایدیس^۶ به رهبری دوک لتو^۷، به فرمان امپراتور کهکشانی، اداره‌ی آراکیس را بر عهده می‌گیرند. این وظیفه به‌ظاهر افتخارآمیز، در واقع دامی سیاسی است که توسط خاندان هارکونن^۸ دشمنان دیرینه آترایدیس، و امپراتور طراحی شده است. در این میان، پل آترایدیس^۹ پسر دوک، شخصیتی است که سرنوشت او به‌عنوان «موعود» پیش‌بینی شده است؛ فردی که نقش بزرگی در تحولات آینده کهکشان ایفا خواهد کرد. پل در مواجهه با خطرات آراکیس، از جمله توطئه‌های سیاسی، حمله‌ی هارکونن‌ها، و خطرات بیابانی، رشد معنوی و سیاسی را تجربه می‌کند. او در نهایت به مردم بومی آراکیس، یعنی فرمان‌ها^{۱۰} ملحق می‌شود. فرمان‌ها گروهی از مبارزان قبیله‌ای هستند که در انتظار موعودی نشسته‌اند که آنان را به آزادی هدایت کند. پل با پذیرش نقش موعود، رهبری فرمان‌ها را به عهده می‌گیرد و جنگی مقدس را علیه امپراتوری آغاز می‌کند.

این فیلم، چنانکه گفتیم با بهره‌گیری از داستان‌سرایی پیچیده، نمادگرایی عمیق و عناصر فرهنگی - مذهبی گوناگون، برای تحلیل‌های مختلف از جمله بررسی شباهت‌ها و تحریف‌های مذهبی بسترسازی می‌کند. با تمرکز بر موضوعات آخرالزمانی و نقش مذاهب در شکل‌گیری جوامع آینده، فیلم تلماسه سؤالات مهمی را درباره دین، قدرت و آینده بشریت مطرح می‌سازد.

^۱ Denis Villeneuve

^۲ Frank Herbert

^۳ Dune

^۴ Spice

^۵ Arrakis

^۶ House Atreides

^۷ Duke Leto

^۸ House Harkonnen

^۹ Paul Atreides

^{۱۰} Fremens

تحلیل این فیلم از دیدگاه ادیان بزرگ جهان، یعنی اسلام، مسیحیت و یهودیت، می‌تواند ابعاد جدیدی از فهم فرهنگی و مذهبی آن را آشکار نماید.

در این زمینه، ادیان ابراهیمی هر کدام با پیشینه خاص خود در موضوعات آخرالزمانی، زمینه‌های مشترک و تفاوت‌های فراوانی دارند. فیلم تلماسه با بهره‌گیری از مفاهیمی نظیر «موعود»، «جنگ مقدس» و «رهبری معنوی»، سؤالاتی را در مورد شباهت‌ها و حتی تحریف این مفاهیم در متون مقدس و تفسیرهای رایج آن‌ها برمی‌انگیزد. از این رو، بررسی دقیق این ابعاد می‌تواند به روشن‌تر شدن تأثیرات فرهنگی و مذهبی این اثر کمک کند.

بیان مسئله

در طول تاریخ، رسانه‌ها و آثار هنری، تأثیرچشمگیری بر شکل‌گیری و بازنمایی مفاهیم مذهبی داشته‌اند. فیلم‌های سینمایی به‌ویژه در ژانر علمی - تخیلی، با ترکیب تخیل و واقعیت، ابزاری قدرتمند برای انتقال پیام‌های پیچیده و چندلایه شده‌اند. تلماسه، به‌عنوان یکی از شاخص‌ترین آثار در این زمینه، به‌طور ویژه بر مسائل مذهبی، سیاسی و اجتماعی تمرکز دارد. با این حال، پرسش‌هایی درباره نحوه بازنمایی مفاهیم مذهبی در این فیلم مطرح است:

- آیا فیلم تلماسه با ادیان بزرگ جهان هم‌خوانی مفهومی دارد یا صرفاً برداشت‌هایی جدید و گاه تحریف‌آمیز ارائه می‌کند؟

- شباهت مفاهیمی چون موعودگرایی، جنگ مقدس و رهبری معنوی در این فیلم با آموزه‌های اسلام، مسیحیت و یهودیت چگونه است؟

- این نوع بازنمایی‌ها چه تأثیری می‌تواند بر درک عمومی از مفاهیم مذهبی داشته باشد؟

تحلیل این مسائل نه تنها برای درک بهتر فیلم، بلکه برای شناخت تأثیرات فرهنگی - اجتماعی آن در جوامع مذهبی و غیرمذهبی ضروری به نظر می‌رسد. این مقاله تلاش می‌کند با تمرکز بر شباهت‌ها و تحریف‌های مفاهیم مذهبی، جنبه‌های مختلف فیلم تلماسه را از دیدگاه سه دین بزرگ تحلیل کند.

پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهش در زمینه بازنمایی مذهبی در آثار هنری به‌طور کلی و فیلم تلماسه به‌طور خاص، گسترده و چندبعدی است. در این بخش به مرور مطالعات کلیدی و مرتبط پرداخته می‌شود.

پیرسون (۲۰۲۱) به تحلیل موضوعات سیاسی و ایدئولوژیکی فیلم تلماسه می‌پردازد و بر استعمارگری و بهره‌برداری از منابع تمرکز دارد. او چنین نتیجه می‌گیرد که تلماسه

سیستم‌های نواستعماری را نقد می‌کند، هرچند به‌طور ضمنی ساختارهای قدرت سلسله مراتبی را نیز تقویت می‌کند.

جیکوب^۱ (۲۰۲۲) در تحلیل تلماسه مشخص می‌کند که این اثر، سرشار از نشانه‌شناسی شرق‌شناسانه است و به سیستم نشانه‌ای مربوط می‌شود که در زمان نوشتن کتاب هربرت وجود داشته است. فرانک جیکوب این نشانه‌شناسی را به تفصیل مورد بحث قرار می‌دهد و نشان می‌دهد که «لورنس عربستان» تا چه اندازه در طرح داستان حضور دارد.

کندی^۲ (۲۰۲۱) نقش و تأثیر زنان در دنیای «تلماسه» را بررسی و مفاهیم جنسیت و قدرت را در این اثر تحلیل می‌کند.

اسملر^۳ (۲۰۱۱) در کتاب تلماسه و فلسفه: مسیر عجیب ذهن^۴ به بررسی نقش و تأثیر زنان در دنیای «تلماسه» و تحلیل مفاهیم جنسیت و قدرت در این اثر می‌پردازد.

پریمی (۱۴۰۰) در نقدی که در سایت ویجیاتو^۵ منتشر کرده به تحلیل سینمایی فیلم تلماسه می‌پردازد و به ویژگی‌های بصری و روایت جاه‌طلبانه اثر دنیس ویلنوو اشاره دارد. این نویسنده فیلم را از نظر اقتباس از کتاب اصلی بررسی کرده و جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی آن را نیز مورد توجه قرار داده است. این مقاله تأکید می‌کند که تلماسه با ترکیب مضامین فلسفی و دینی، توانسته اثری منحصر به فرد و تأثیرگذار ارائه دهد که مخاطب را به تفکر درباره قدرت و سرنوشت بشر وامی‌دارد.

فرچ‌نژاد (۱۴۰۳ الف و ۱۴۰۳ ب) با تمرکز بر جنبه‌های دینی فیلم، تلاش می‌کند ارتباط بین شخصیت پل آتریدس و مفاهیم مرتبط با امام زمان (عج) و ارتباط آن‌ها با مفاهیم شیعه را تحلیل کند؛ این نویسنده به‌ویژه بر شخصیت‌پردازی منجی و تناقض‌های اخلاقی موجود در فیلم تأکید دارد. مقاله او نتیجه می‌گیرد که فیلم در قالبی هنری، نوعی تصویرسازی مغرضانه از منجی اسلامی ارائه داده و تلاش می‌کند پیام‌های دینی را به نفع نگرش غربی تغییر دهد. خبرگزاری مهر در تحلیلی با عنوان «چگونه هالیوود فرهنگ عرب و مسلمان را حذف می‌کند؟»؛ «نقد تلماسه» (۱۴۰۳) به نقد بازنمایی فرهنگ عرب و مسلمانان در فیلم تلماسه پرداخته و استفاده از عناصر فرهنگی و زبانی در فیلم را زیر سؤال می‌برد. در واقع نویسنده معتقد است که فیلم نه تنها مفاهیم مذهبی و فرهنگی را دستکاری کرده، بلکه تلاش کرده است تا تصویری غرب‌محور از آینده ارائه دهد که با حذف یا تغییر هویت جوامع شرقی همراه است.

^۱ Jacob

^۲ Kennedy

^۳ Semler

^۴ Dune and Philosophy: Weiriding Way of the Mentat

^۵ Vigiato

مطالعات پیشین نشان می‌دهد که تحلیل تلماسه از دیدگاه مذاهب ابراهیمی می‌تواند به درک عمیق‌تری از نحوه تأثیرپذیری این اثر از آموزه‌های مذهبی کمک کند. با این حال، تمرکز محدود بسیاری از این پژوهش‌ها بر یک دین خاص یا تحلیل‌های کلی، ضرورت پژوهشی جامع و تطبیقی را آشکار می‌سازد.

بخش اول: دیدگاه اسلام

مفهوم منجی در اسلام و شخصیت پل آتریدیس

در اسلام، به‌ویژه در مذهب تشیع، باور به ظهور امام مهدی (عج) به‌عنوان منجی جهان جایگاهی محوری دارد. امام مهدی (عج) به‌عنوان کسی که در زمان ظهورش زمین را از ظلم و بی‌عدالتی پاک می‌کند، نماد امید و عدالت است. شخصیت پل آتریدیس در تلماسه نیز ویژگی‌های مشابهی دارد. پل، که در ابتدا فردی ناشناخته است، به‌تدریج به‌عنوان رهبر و منجی جامعه «فرمن» ظاهر می‌شود. این شباهت به‌ویژه در نحوه ظهور و رهبری او، ارتباطاتی با آموزه‌های اسلامی برقرار می‌کند. در متون اسلامی، ظهور امام مهدی (عج) همراه با مجموعه‌ای از نشانه‌ها و تحولات جهانی است که زمینه‌ساز ایجاد عدالت می‌شود. به همین ترتیب، در تلماسه، پل آتریدیس در شرایطی ظهور می‌کند که جامعه فرمن در سیاره آراکیس تحت فشار و ستم قرار دارد. این تطابق‌ها باعث شده است که برخی تحلیل‌گران، داستان تلماسه را به‌عنوان بازتابی از مفاهیم مهدویت در اسلام تفسیر کنند (ودادی، ۲۰۲۳^۱، مرکز مطالعات یهود، ۱۴۰۲).

پیشگویی‌ها و تطابق با مهدویت

پیشگویی‌ها در داستان تلماسه نقش کلیدی دارند. مردم فرمن، که در شرایط سخت زندگی می‌کنند، منتظر ظهور فردی هستند که آن‌ها را به سوی آزادی هدایت کند. این پیشگویی‌ها شباهت زیادی به احادیث اسلامی درباره ظهور امام زمان (عج) دارد. در هر دو روایت، فرد پیشگویی‌شده کسی است که با عدالت و شجاعت، جامعه‌ای ستمدیده را به سوی رستگاری هدایت می‌کند. به‌طور خاص، مفهوم «قهرمان پیشگویی‌شده» یا «منتظر»، که در تلماسه به وضوح نشان داده شده، با روایت‌های اسلامی درباره مهدویت تطابق دارد. در اسلام، این باور وجود دارد که امام زمان (عج) توسط خداوند منصوب شده و قدرت و دانش الهی برای هدایت مردم دارد. در داستان، پل نیز از طریق پیشگویی‌ها و قدرت‌های خارق‌العاده‌اش به‌عنوان فردی فراتر از انسان‌های عادی شناخته می‌شود. برای مثال، توانایی پل در دیدن آینده شباهت نزدیکی به صفات منجی در روایات اسلامی دارد (ودادی، ۲۰۲۳، مرکز مطالعات یهود، ۱۴۰۲).

^۱ Vadadi

فرهنگ صحرایی و الهام از اسلام

زندگی مردم فرمن در سیاره آراکیس شباهت‌های زیادی به زندگی قبایل عرب در مناطق بیابانی دارد. استفاده از اصطلاحات عربی مانند «جهاد» و «موادیب» در فیلم، به‌طور مستقیم به فرهنگ اسلامی اشاره دارد. لباس‌ها، مراسم و ساختار اجتماعی فرمن نیز انعکاسی از جوامع اسلامی است. آب، که در آراکیس منبعی حیاتی و مقدس محسوب می‌شود، جایگاهی مشابه با ارزش آن در فرهنگ اسلامی دارد.

نکته قابل توجه این است که اصطلاح «جهاد» در فیلم به مبارزات فرمن علیه حکومت ظالمانه اشاره دارد، یکی از مفاهیم کلیدی در اسلام است. این واژه در اسلام نه تنها به مبارزه نظامی، بلکه به تلاش‌های معنوی و اخلاقی نیز اطلاق می‌شود. در تلماسه، جهاد فرمن بیشتر به معنای مبارزه برای بقا و آزادی تفسیر شده است، اما هم‌چنان شباهت‌هایی با مفهوم اسلامی آن دارد (دورانی، ۲۰۲۱، بخش «زبان و اصطلاحات»).

هم‌چنین، ساختار اجتماعی فرمن که بر اساس قبیله‌ها و شوراها محلی بنا شده است، به ساختارهای اجتماعی جوامع اسلامی شباهت دارد. در فرهنگ اسلامی، مشورت و تصمیم‌گیری جمعی یکی از اصول مهم است که در فیلم نیز در رفتارهای اجتماعی فرمن مشاهده می‌شود.

ارتباط با عرفان اسلامی

یکی دیگر از جنبه‌های برجسته فیلم تلماسه ارتباط آن با مفاهیم عرفانی در اسلام است. در عرفان اسلامی، انسان کامل به‌عنوان فردی که به حقیقت مطلق دست‌یافته و توانایی هدایت دیگران را دارد، توصیف می‌شود (مطهری، ۱۳۸۸: ۷۵).

پل‌آتریدس با توانایی‌های خارق‌العاده‌اش و نقش منجی‌گونه‌ای که ایفا می‌کند، شباهت‌هایی به مفهوم انسان کامل در عرفان اسلامی دارد. علاوه بر این، تأکید داستان بر تقوا، فروتنی و تمرکز بر ارزش‌های معنوی نیز با آموزه‌های

عرفانی اسلام هماهنگ است (نصر، ۲۰۰۷: ۶۱).

در عرفان اسلامی هم‌چنین باور بر این است که «انسان کامل» می‌تواند واسطه‌ای بین عالم مادی و معنوی باشد (مطهری، ۱۳۸۸: ۷۵). توانایی پُل در دسترسی به «آگاهی برتر» و ارتباط با آینده‌ی ممکن، به نوعی این ویژگی را به نمایش می‌گذارد. برخی تحلیل‌گران معتقدند که این جنبه از شخصیت پل به الهام‌گیری هربرت از آموزه‌های صوفیانه اشاره دارد که به «وحدت

^۱ Muad'Dib

^۲ Durrani

^۳ Language and Terminology

^۴ Nasr

وجود» و تجربه مستقیم [درک] الهی تأکید دارند (استوبر،^۱ ۲۰۱۷، بخش «نگاه ذات‌گرایانه و بافت‌گرایانه به عرفان»).

نقد و بررسی: بررسی اصطلاحات و مفاهیم اسلامی

فیلم و رمان تلماسه اثر فرانک هربرت با استفاده از اصطلاحات و مفاهیم اسلامی، به‌ویژه آن‌هایی که در تفکر شیعی برجسته هستند، تلاش می‌کند جهانی پیچیده و چندلایه را خلق کند. با این حال، این بازنمایی‌ها غالباً به‌شکلی سطحی یا ساده‌انگارانه صورت گرفته است و برخی از مفاهیم کلیدی بدون توجه به بستر تاریخی و فرهنگی آن‌ها مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

برداشت سطحی از مفهوم جهاد

جهاد، به‌عنوان یکی از اصول مهم اسلامی، در تلماسه بیشتر به‌عنوان یک مبارزه نظامی علیه ظلم و ستم تصویر شده است. این برداشت، هرچند بازتاب‌دهنده بخشی از حقیقت این مفهوم است، اما جنبه‌های گسترده‌تر جهاد در اسلام، از جمله جهاد اکبر (مبارزه با نفس) و جهاد علمی و معنوی، نادیده گرفته شده‌اند.

در تفکر شیعه، جهاد در چارچوب عدالت و در راستای برقراری حکومت حق معنا پیدا می‌کند. این مفهوم، برخلاف بازنمایی در تلماسه که بیشتر به‌عنوان ابزاری برای دستیابی به قدرت سیاسی تصویر می‌شود، با اصولی هم‌چون تقوا، اخلاق، و رعایت حقوق انسانی گره خورده است. ساده‌سازی جهاد به جنگ نظامی خالص، می‌تواند باعث سوءتفاهم درباره این آموزه عمیق اسلامی شود (اسپوزیتو،^۲ ۲۰۱۱: ۹۴). مرتضی مطهری در کتاب «جهاد» تأکید می‌کند که جهاد نه فقط به‌معنای جنگ، بلکه به‌عنوان تلاشی برای اصلاح فرد و جامعه در راستای عدالت و اخلاق است (مطهری، ۱۳۷۹: ۲۳).

تحریف مفهوم مهدویت

یکی از مفاهیم کلیدی در تفکر شیعه، ایده مهدویت و ظهور منجی است. در اعتقادات شیعی، امام مهدی (عج) به‌عنوان منجی بشریت، عدالت را در سراسر جهان برقرار خواهد کرد و ظلم را ریشه‌کن خواهد ساخت. این مفهوم، نه صرفاً به‌عنوان یک ایده سیاسی، بلکه به‌عنوان وعده‌ای الهی با جنبه‌های عمیق معنوی و اخلاقی درک می‌شود.

در تلماسه، شخصیت پل آتریدیس به‌عنوان یک منجی به تصویر کشیده می‌شود، اما همچنانکه گفتیم این منجی‌گرایی بیشتر بر قدرت نظامی و سیاسی تأکید دارد و از جنبه‌های اخلاقی و

^۱ Stoeber

^۲ Essentialist and Contextualist Views of Mysticism

^۳ Esposito

الهی فاصله می‌گیرد. پل از باورهای مذهبی قوم فرمن برای دستیابی به اهداف خود بهره‌برداری می‌کند، درحالی‌که در مهدویت شیعی، منجی صرفاً برای خدمت به خداوند و عدالت عمل می‌کند. این بازنمایی ناقص، می‌تواند تصویری انحرافی از مهدویت ارائه دهد و باعث شود مخاطبان غیرمسلمان این مفهوم را به عنوان ابزاری برای کنترل اجتماعی و سیاسی تفسیر کنند (سعید^۱: ۱۹۷۸: ۹۹). حال آنکه ایده منجی در شیعه دارای جنبه‌های الهی، معنوی و اخلاقی است که نمی‌توان آن را صرفاً به قدرت سیاسی محدود کرد.

تأکید بیش از حد بر جنبه‌های سیاسی اسلام

در بسیاری از بخش‌های تلماسه، مفاهیم اسلامی به‌عنوان ابزارهایی برای دستیابی به قدرت سیاسی و نظامی تصویر می‌شوند. این نگاه، به‌ویژه در مورد آموزه‌های شیعه که تأکید بیشتری بر عدالت، تقوا، و معنویت دارند، ناکافی و تحریف‌شده به نظر می‌رسد. برای نمونه، استفاده از عنوان «قدیس» و «نجات‌دهنده» در میان فرمن‌ها، بدون در نظر گرفتن عمق معنوی این اصطلاحات در اسلام، باعث می‌شود دین، تا حد یک ابزار سیاسی تقلیل یابد؛ در حالی‌که در تفکر شیعی، دین و سیاست اگرچه به هم پیوسته‌اند، اما سیاست باید همواره در خدمت دین و اخلاق باشد نه بالعکس. علی شریعتی در کتاب «اسلام‌شناسی» به این نکته اشاره می‌کند که دین و سیاست در اسلام شیعه همواره باید در راستای عدالت و با معنویت همراه باشند (شریعتی، ۱۳۸۵: ۱۹۸).

مفهوم بیعت و ولایت؛ در اسلام شیعی، بیعت و ولایت مفاهیمی عمیق و پیچیده هستند که بر پایه وفاداری، عشق، و ایمان به امام و رهبر دینی استوارند. این مفاهیم، برخلاف تصویرسازی در تلماسه، به‌معنای تسلیم کورکورانه نیستند. در تلماسه، وفاداری قوم فرمن به پل آتریدیس، بیشتر از آنکه ناشی از ایمان قلبی و معنوی باشد، نتیجه دستکاری روان‌شناختی و سوءاستفاده از باورهای مذهبی آن‌هاست. این بازنمایی، می‌تواند تصویری ناقص و حتی منفی از رابطه امت و امام در اسلام شیعی ارائه دهد. در تفکر شیعی، ولایت به‌عنوان پیوندی معنوی و اخلاقی تعریف می‌شود که هدف آن هدایت مردم به سوی کمال و رستگاری است، نه ابزاری برای کنترل اجتماعی (طباطبایی، ج ۵، ۱۳۷۸: ۱۱۹).

شریعت: نظامی حقوقی و اخلاقی در فرهنگ فرمن‌ها؛ در جهان تلماسه، به‌ویژه در فرهنگ فرمن‌ها، نظامی مشابه شریعت اسلامی وجود دارد که رفتارها و تصمیمات اجتماعی و فردی آن‌ها را هدایت می‌کند. جنبه‌های مرتبط با این مفهوم در فیلم عبارتند از:

^۱ Said

احکام اجتماعی و خانوادگی: قوانین حاکم بر فرمان‌ها، به‌ویژه درباره مدیریت منابع حیاتی مانند آب، شباهت‌هایی با احکام اسلامی دارد که برای حفظ عدالت و رفاه جامعه طراحی شده‌اند. به‌عنوان مثال، نحوه تقسیم آب میان افراد و نحوه رفتار با اجساد که نشان‌دهنده اهمیت عدالت و حفظ منابع مشترک است، مشابه مفاهیمی است که در شریعت به‌صورت دقیق تنظیم شده‌اند.

اصول اخلاقی: فرمان‌ها ارزش‌های اخلاقی خاصی دارند، مانند وفاداری، شجاعت، و ایثار. این ارزش‌ها یادآور اصول اخلاقی در شریعت هستند که رفتارهای فردی و اجتماعی را بر پایه عدالت، کرامت انسانی، و همبستگی تنظیم می‌کنند.

انعطاف‌پذیری: فرمان‌ها در شرایط سخت محیطی سیاره آراکیس، قوانین و رویه‌های خود را متناسب با نیازهای جامعه تغییر داده‌اند. این ویژگی نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری در قوانین است که در شریعت اسلامی نیز به‌عنوان «اجتهاد» شناخته می‌شود و به مسلمانان اجازه می‌دهد که با توجه به زمان و مکان، مسائل نوظهور را حل کنند. در حالی که شریعت اسلامی مبتنی بر عدالت، کرامت، و انعطاف‌پذیری است، قوانین فرمان‌ها بیشتر به‌عنوان نظامی سختگیرانه و خشک نمایش داده شده است که تنها برای بقا در محیط خشن آراکیس طراحی شده‌اند. این تصویر می‌تواند باعث سوءبرداشت درباره شریعت شود.

فتوا: ابزاری برای هدایت جامعه؛ فتوا به‌عنوان حکمی فقهی و مشورتی در اسلام، راهنمایی‌هایی برای حل مسائل روزمره و پیچیده جامعه ارائه می‌دهد. در فرهنگ فرمان‌ها، رهبران دینی و عرفانی آن‌ها نقشی مشابه مفتی یا مراجع تقلید ایفا می‌کنند. این شباهت‌ها در فیلم قابل مشاهده است:

رهبران معنوی فرمان‌ها: شخصیت‌هایی مانند «لسان الغیب»^۱ و زنانی از گروه‌های مذهبی مانند بنی جزریت،^۲ نقش هدایت معنوی جامعه را ایفا می‌کنند. اگرچه این نقش در فیلم بیشتر با اهداف سیاسی ترکیب شده است، اما شباهت‌هایی با نقش مفتیان و رهبران مذهبی در اسلام دارد.

تصمیم‌گیری‌های مشورتی: در جامعه فرمان‌ها، تصمیمات مهم معمولاً با نظر رهبران و بر اساس نیازهای اجتماعی و محیطی اتخاذ می‌شود. این شباهت‌ها با نقش فتوا در حل مسائل شرعی و اجتماعی، به‌ویژه در فقه شیعه، تطابق دارد.

^۱Lisan al-Gaib
^۲ Bene Gesserit

تحریف مفهوم فتوا: در تلماسه، فتوا یا حکم رهبران مذهبی گاه به عنوان ابزاری برای کنترل سیاسی یا دستیابی به قدرت نمایش داده می شود. این برداشت، معنای مشورتی و انعطاف پذیری فتوا را تحریف می کند و ممکن است مخاطب را به این تصور برساند که از احکام دینی تنها برای تقویت قدرت استفاده می شود.

لسان الغیب و صدا

در فیلم و رمان تلماسه، «لسان الغیب» به عنوان یک منجی پیامبرگونه در باور فرم‌ها شناخته می شود. در مقابل، «صدا» به عنوان یک توانایی خارق العاده توسط شخصیت‌های عضو سازمان «بنی جزریت» به کار گرفته می شود. این قدرت به آن‌ها اجازه می دهد که با استفاده از لحن و زبان، اراده‌ی دیگران را تحت کنترل خود درآورند. این مفهوم، اگرچه به طور مستقیم از آموزه‌های اسلامی استخراج نشده است، اما می توان آن را با مفاهیمی مانند قدرت زبان و تأثیر معنوی آن، به ویژه در قرآن و احادیث، مقایسه کرد.

در قرآن، زبان (گفتار) به عنوان ابزاری قدرتمند برای هدایت، تأثیرگذاری، و حتی گمراه کردن انسان‌ها معرفی شده است. برای مثال «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» (بقره/۸۳): «با مردم به نیکی سخن بگویید». این آیه نشان دهنده اهمیت اخلاق در کاربرد زبان است. در مقابل، در تلماسه، قدرت «لسان الغیب» در بستری نظامی و سیاسی استفاده می شود، که با نگاه معنوی اسلام فاصله دارد. از سوی دیگر، در عرفان اسلامی «لسان الغیب» می تواند به معنای سخنی الهام شده از سوی خداوند یا راهنمایی معنوی از سوی ولی خدا تعبیر شود. اما در تلماسه، این قدرت از جنبه‌های قدسی جدا و بیشتر به ابزاری دنیوی تبدیل می شود. سید محمدحسین طباطبایی در تفسیر المیزان اهمیت زبان و تأثیر معنوی آن در هدایت انسان‌ها را بررسی می کند و این مفهوم را با آموزه‌های قرآنی پیوند می دهد (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج. ۱۳: ۲۷۱).

بنی جزریت و شباهت‌های آن با طریقت‌های عرفانی اسلامی

سازمان «بنی جزریت» در تلماسه به عنوان گروهی مخفی و با نفوذ به تصویر کشیده می شود که هدف اصلی آن‌ها حفظ تعادل قدرت در سراسر کهکشان است. این سازمان از طریق برنامه‌ریزی‌های ژنتیکی، کنترل اجتماعی، و آموزش‌های ویژه اعضای خود، در امور سیاسی، نظامی، و مذهبی نفوذ می کند. اگرچه بنی جزریت به طور مستقیم به اسلام مرتبط نیستند، اما در زمینه اسلامی می توان آن‌ها را با طریقت‌های عرفانی یا انجمن‌های معنوی که بر تربیت اخلاقی و معنوی انسان تمرکز دارند، مقایسه کرد. با این حال، تفاوت اساسی در اینجاست که در اسلام، هر نوع هدایت معنوی یا تربیت اخلاقی همواره با توکل به خداوند و پیروی از

آموزه‌های وحدانی همراه است، در حالی که بنی‌جزریت بیشتر به دنبال اهداف دنیوی و کنترل هستند.

تحریف مفاهیم اسلامی در بازنمایی بنی‌جزریت

بنی‌جزریت ممکن است یادآور زنانی باشد که در اسلام نقشی معنوی یا آموزشی دارند، مانند زنان برجسته‌ای چون حضرت فاطمه زهرا (س) یا حضرت زینب (س). با این حال، تحریف در بازنمایی بنی‌جزریت شامل این موارد است:

کنترل اجتماعی؛ در حالی که زنان در اسلام به عنوان مربیانی معنوی و اخلاقی معرفی می‌شوند، بنی‌جزریت از مهارت‌های خود برای کنترل جامعه و دستکاری سیاسی استفاده می‌کند. **تقدس زدایی؛** در اسلام، آموزش معنوی و اخلاقی با معنویت الهی گره خورده است، اما در بنی‌جزریت، این آموزه‌ها با اهداف دنیوی و قدرت طلبی ترکیب شده است. **غیب الهی؛** در بنی‌جزریت، هیچ ارجاعی به معنویت الهی یا خداوند وجود ندارد، در حالی که در اسلام، تمام آموزش‌ها و تربیت‌ها در راستای بندگی خداوند انجام می‌شود.

بنا بر مطالب گفته شده، می‌توان گفت که استفاده از مفاهیم اسلامی، به‌ویژه آموزه‌های شیعه، در آثار علمی - تخیلی هم‌چون تلماسه، اگرچه جذابیت داستان را افزایش می‌دهد، اما نیازمند دقت بیشتری در بازنمایی این مفاهیم است. توجه به بستر فرهنگی و تاریخی این مفاهیم، می‌تواند از تحریف آن‌ها جلوگیری و به درک بهتر مخاطبان از اسلام کمک کند. نویسندگان و تحلیل‌گران نیز باید در ارائه تفسیرهای خود از این آثار، به عمق معنوی و اخلاقی این مفاهیم توجه کنند تا از سوء تفاهم‌های احتمالی جلوگیری شود.

بخش دوم: دیدگاه مسیحیت

نمادگرایی مسیحی و شخصیت پل آتریدیس

فیلم تلماسه سرشار از نمادها و عناصر مسیحی است که در داستان شخصیت پل آتریدیس به‌طور برجسته‌ای نمایان می‌شود. یکی از مفاهیم اصلی در مسیحیت، باور به مسیح به عنوان منجی و نجات‌دهنده بشریت است. پل آتریدیس نیز در روایت تلماسه به عنوان یک منجی پیش‌بینی شده معرفی می‌شود که رنج و قربانی‌شدگی او برای رستگاری مردم فرمن نشان‌دهنده شباهت‌های آشکار با داستان‌های مربوط به مسیح است. در مسیحیت، عیسی مسیح (ع) با تحمل رنج و قربانی کردن خود برای گناهان بشر، نقش منجی را ایفا می‌کند. پل نیز از طریق

تصمیمات سخت و چالش‌هایی که برای رهایی مردم فرمن از ظلم برمی‌دارد، این نقش را به‌تصویر می‌کشد (اسمیت^۱: ۲۰۱۸: بند ۳).

یکی دیگر از شباهت‌های برجسته میان پل و مسیح، مفهوم «انتخاب‌شدگی» است. در هر دو روایت، شخصیت منجی توسط نیروهای فراتر از درک انسان‌ها انتخاب شده‌اند. در مسیحیت، عیسی به‌عنوان فرزند خدا و نماینده او در زمین شناخته می‌شود، در حالی که پل در تلماسه توسط پیشگویی‌ها و آموزه‌های مذهبی فرمن به‌عنوان کسی که می‌تواند جهان‌شان را تغییر دهد، معرفی می‌گردد.

شباهت‌های تمثیلی بین آراکیس و سرزمین مقدس

سیاره آراکیس در تلماسه نقش مهمی در انتقال پیام‌های مذهبی و تمثیلی ایفا می‌کند. آراکیس، با محیط خشن و بیابانی خود، یادآور سرزمین مقدس در کتاب مقدس است. این سرزمین در تاریخ مسیحیت نماد آزمون‌های الهی و فرصتی برای تطهیر و تقویت ایمان است. در کتاب مقدس، بیابان‌ها معمولاً به‌عنوان مکانی برای تأمل و نزدیک‌شدن به خداوند توصیف می‌شوند. به‌طور مشابه، در تلماسه، بیابان‌های آراکیس به‌عنوان مکانی برای تحولات روحی و جسمی شخصیت‌ها و همچنین تجدید ایمان مردم فرمن عمل می‌کنند. همان‌طور که پارسونز^۲ اشاره می‌کند: «در تلماسه، تبعید از کالادان به آراکیس به‌منزله‌ی سقوط نخستین است، و تبعید از شهر به بیابان، سقوط دوم. در کتاب مقدس، تبعید به معنای «قطع ارتباط با مردم» و در واقع حکم مرگ است. در تلماسه نیز چنین است؛ بارون تأیید می‌کند: «هیچ آتریدی زنده نخواهد ماند... بیابان ضعیفان را می‌گیرد». این تبعید، این مرگ روحانی، مرگ خود پیشین آن‌ها و آغاز نوعی غسل تعمید به نقش جدیدشان به‌عنوان لسان‌الغیب است» (پارسونز، ۲۰۲۴، بند ۵).

هم‌چنین، پژوهشگران دیگری چون پاتورف^۳ نیز تأکید می‌کنند که ساختار منجی‌گرایانه‌ی روایت تلماسه، از مفاهیم مسیحایی سنتی فاصله گرفته و به شکل اغراق‌شده‌ای در قالب قدرت سیاسی و شور فرقه‌ای بازنمایی شده است (۲۰۱۸: ۸). سینگ^۴ نیز در تحلیل خود از نقش دین در تلماسه، نشان می‌دهد که بیابان نه تنها فضایی فیزیکی، بلکه نمادی برای عبور از خود پیشین و رسیدن به مأموریت قدسی است (۲۰۱۳: ۳۸ - ۷۵).

^۱Smith

^۲Parsons

^۳Pottorff

^۴Singh

آراکیس، با منابع ارزشمندش به‌ویژه «اسپایس» که زندگی و سفرهای کیهکشان را ممکن می‌سازد، نمادی از نعمت‌های الهی است که استفاده صحیح یا نادرست از آن‌ها می‌تواند پیامدهای مختلفی داشته باشد. در این زمینه، ادویه به‌عنوان نعمتی با ارزش بی‌نهایت، مشابه آموزه‌های روحانی در مسیحیت است که به پیروان، امکان رشد معنوی و ارتباط نزدیک‌تر با خداوند را می‌دهد. این تطبیق بین منابع آراکیس و مفاهیم مسیحی به تفسیر عمیق‌تر از روایت کمک می‌کند.

مفهوم رنج و رستگاری

یکی از مفاهیم کلیدی در مسیحیت، ارتباط میان رنج و رستگاری است. این مفهوم در تلماسه نیز به‌وضوح مشاهده می‌شود. پل آتریدیس در طول داستان با سختی‌ها و چالش‌های متعددی روبه‌رو می‌شود که نه تنها شخصیت او را به‌عنوان یک رهبر شکل می‌دهد، بلکه جامعه فرمن را نیز به سوی آزادی و عدالت هدایت می‌کند. ایده‌ی «رنج به‌مثابه‌ی وسیله‌ای برای رستگاری» در روایت تلماسه با مضمون قربانی شدن برای نجات جمع گره خورده است. برای مثال، تجربه‌ی پل در مواجهه با آزمون «دست در جعبه» — که در آن باید دردی شدید را تحمل کند بدون اینکه واکنشی نشان دهد — نمادی از پذیرش رنج برای تحقق هدفی برتر است. این آزمون از نظر تمثیلی با صلیب کشیدن عیسی شباهت دارد؛ جایی که او رنج را برای تحقق وعده‌ی الهی تحمل می‌کند. پاتورف تحلیل می‌کند که پل آتریدیس برخلاف مسیح انجیلی، به‌جای رهایی کامل، بار پیامبری را با ترسی پنهان از نتایج جهاد آینده به دوش می‌کشد و همین او را به «مسیحای معکوس» بدل می‌سازد (۲۰۱۸: ۸).

عناصر پیشگویی و تحقق وعده الهی

پیشگویی‌ها در مسیحیت و تلماسه نقش محوری دارند. در مسیحیت، آمدن مسیح دوم به‌عنوان وعده‌ای الهی برای برقراری عدالت و صلح جهانی پیش‌بینی شده است. در تلماسه نیز، پیشگویی‌ها درباره ظهور پل به‌عنوان منجی مردم فرمن، نشان‌دهنده تحقق وعده‌ای است که از پیش تعیین شده بود. این تطابق باعث شده است که برخی تحلیل‌گران، تلماسه را به‌عنوان اثری که به‌طور غیرمستقیم از آموزه‌های مسیحیت الهام گرفته است، تفسیر کنند. ودادی در مقاله‌ای تطبیقی، نشان می‌دهد که نقش پیشگویی در روایت زندگی پل آتریدیس، بازتابی از روایت ظهور مهدی در سنت شیعه و منجی‌گرایی آخرالزمانی اما با تفاوت‌هایی کلیدی از جمله بهره‌برداری سیاسی از باور مذهبی است (۲۰۲۳: ۲۱۸). پیشگویی در تلماسه نه تنها بازتابی از باورهای مسیحی است، بلکه نشان‌دهنده تلاقی سیاست و مذهب نیز هست. این موضوع به‌ویژه در نحوه به‌کارگیری این پیشگویی‌ها توسط خاندان آتریدیس و بنی‌جزریت برای اهداف

سیاسی و استراتژیک برجسته است. فورهان^۱ نیز در تحلیل خود بر این نکته تأکید می‌کند که پل آتریدیس به‌عنوان «مسیحای نمونه غربی» با پذیرش پیش‌نوشته بودن سرنوشت خود، از پیشگویی به‌عنوان ابزاری برای بسیج سیاسی استفاده می‌کند (۲۰۲۲، بند ۳).

نقد و بررسی: نمادهای مسیحی در بستر فرهنگی و تاریخی

با وجود شباهت‌های متعدد میان مفاهیم مسیحی و داستان تلماسه، نحوه بازنمایی این مفاهیم همواره محل بحث و نقد بوده است. بسیاری از منتقدان بر این باورند که این داستان به‌جای ارائه تصویری عمیق و دقیق از آموزه‌های مسیحیت، بیشتر از نمادها و مفاهیم مسیحی به‌صورت ابزاری و سطحی برای پیشبرد اهداف داستانی استفاده کرده است. این استفاده هم‌چنانکه پیش از این درباره‌ی نحوی استفاده از نمادهای اسلامی نیز بیان کردیم، گاه باعث کمرنگ شدن لایه‌های اخلاقی و معنوی مفاهیم مسیحیت شده و آن‌ها را در قالبی سیاسی و نظامی بازتولید کرده است.

نمادهای مسیحی و بستر تاریخی آن‌ها

یکی از نمادهای برجسته‌ای که در تلماسه به‌طور غیرمستقیم از مسیحیت الهام گرفته شده، مفهوم «منجی» است. در آموزه‌های مسیحیت، مسیح نمادی از محبت، فداکاری و نجات بشریت از گناه است. او در روایت‌های انجیل، فردی است که با تحمل رنج و صلیب، جهان را از تاریکی به سوی نور هدایت می‌کند، اما در تلماسه، پل آتریدیس به‌عنوان یک منجی ظاهر می‌شود که بیشتر به قدرت نظامی، سیاسی و شورش‌متکی است تا به اصول اخلاقی و معنوی. این تغییر در تصویر منجی ممکن است باعث سوءتفاهم شود، چرا که برخلاف آموزه‌های مسیحی و اسلامی، هم‌چنانکه اشاره شد، پل اغلب از جایگاه منجی بودن خود برای اهداف استراتژیک و تسلط بر مردم فرمن استفاده می‌کند. پاتورف این روند را مصداق مسیحای معکوس می‌داند: شخصیتی که اعمالش به‌جای نجات، جهاد و خشونت به دنبال دارد (۲۰۱۸: ۸).

علاوه بر این، مفهوم قربانی که در مسیحیت با صلیب مسیح و رستگاری گره خورده است، در تلماسه شکل متفاوتی به خود می‌گیرد. این مفهوم البته در متون اسلامی نیز جایگاه والایی دارد؛ قربانی در اسلام به‌عنوان نمادی از اخلاص و اطاعت الهی مطرح است که نمونه بارز آن در داستان حضرت ابراهیم (ع) دیده می‌شود؛ اما در تلماسه، این نماد به ابزاری برای ایجاد اتحاد یا تحریک انقلابی‌گری تبدیل شده است. سینگ در تحلیل خود، از این رویکرد به‌عنوان «تقدس‌زدایی از مفهوم قربانی» یاد می‌کند که به جای تعالی، کارکردی سیاسی پیدا می‌کند. (۲۰۱۳: ۵۴-۶۱)

^۱Forhan

نماد دیگری که در مسیحیت اهمیت زیادی دارد، مفهوم «پیشگویی» است. در متون مسیحی، پیشگویی‌ها به‌عنوان وعده‌های الهی برای هدایت بشریت به سوی نجات و تحقق عدالت الهی تلقی می‌شوند. در مقابل، در تلماسه، پیشگویی‌ها توسط بنی‌جزریت به‌عنوان ابزاری برای کنترل مردم و دستیابی به اهداف سیاسی دستکاری می‌شوند. پاتورف این بهره‌برداری سیاسی از پیشگویی را نشانه‌ای از «سکولاریزه کردن امر الهی» در دنیای روایت می‌داند (۲۰۱۸: ۹).

تصویر منجی در تقابل با آموزه‌های مسیحیت

شخصیت پل آتریدیس در تلماسه به‌گونه‌ای طراحی شده که در نگاه نخست، شباهت‌هایی با چهره‌ی مسیح دارد، اما در لایه‌های عمیق‌تر، نقش او به‌عنوان یک منجی در تضاد آشکار با تصویر مسیح در مسیحیت است. در سنت مسیحی، مسیح چهره‌ای الهی و اخلاق‌مدار است که با عشق، فداکاری و صلح، بشریت را از گناه می‌رهاند. در آموزه‌های اسلامی نیز، منجی آخرالزمان، امام مهدی (عج)، به‌عنوان شخصیتی معرفی می‌شود که عدالت الهی را بر پایه معنویت، هدایت و نجات انسان‌ها محقق می‌سازد.

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، ذیل آیه‌ی ولایت (مائده/ ۵۵)، تأکید می‌کند که ولایت امامان نه به‌معنای حکومت ظاهری، بلکه پیوندی معنوی و الهی است؛ ولایتی که ریشه در ایمان، انفاق خالصانه و اطاعت کامل از خدا دارد. او می‌نویسد که چنین ولایتی در خدمت هدایت بشر به سوی کمال و رستگاری است، نه ابزاری برای سلطه و سیطره سیاسی (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۵: ۱۱۹).

اما در تلماسه، پل بیش از آنکه چهره‌ای معنوی باشد، به‌مثابه‌ی رهبر سیاسی و نظامی بازنمایی شده است که برای تحقق اهداف اجتماعی و اصلاحات ساختاری، از موقعیت منجی‌گونه‌اش بهره‌برداری می‌کند. این تصویر از منجی بیش از آنکه با آموزه‌های مسیحی و اسلامی هماهنگ باشد، با رویکردهای قدرت‌محور و حتی استعمارگرایانه قرابت دارد. پل در جریان داستان، بارها در موقعیت تصمیم‌گیری‌هایی سخت قرار می‌گیرد که منجی‌بودن او را به چالش می‌کشد. او از باورهای مذهبی قوم فرمن بهره‌برداری می‌کند و از ابزارهایی چون جنگ، خونریزی و بسیج دینی برای پیشبرد اهداف سیاسی‌اش استفاده می‌کند، در حالی که آموزه‌های دینی اصیل بر صلح، رهایی معنوی و خدمت به دیگران تأکید دارند.

تقابل معنویت و سیاست در نمادهای مسیحی

یکی از نقدهای اساسی به بازنمایی نمادهای مسیحی در تلماسه، غلبه سیاست بر معنویت است. در مسیحیت، نمادهایی همچون صلیب، قربانی و پیشگویی در بستری معنوی تعریف می‌شوند و هدف‌شان تقویت رابطه انسان با خداوند است. اما در تلماسه، این مفاهیم به

ابزارهایی برای پیشبرد اهداف سیاسی و نظامی بدل شده‌اند. مشابه این موضوع در سنت اسلامی نیز نقدهایی به استفاده ابزاری از مفاهیم دینی در راستای منافع قدرت وارد شده است. برای مثال، در تفسیر نمونه، ذیل آیه ۶۵ سوره یونس، بر پرهیز از سوءاستفاده از باورهای مردم برای منافع سیاسی تأکید شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۹۲، ج ۱۱: ۳۸۶).

هم‌چنین، در داستان تلماسه، فرقه‌ی بنی‌جزریت از پیشگویی‌ها و باورهای مذهبی به‌عنوان یک سیستم کنترل اجتماعی استفاده می‌کند تا راهبرد ملت‌ها را دستکاری و هدایت کند؛ رویکردی که با معنویت اصیل مسیحی در تضاد کامل است، چرا که در آن، پیشگویی هدیه‌ای الهی برای نجات و راهنمایی بشر است، نه ابزاری برای سلطه.

بستر فرهنگی و تاریخی نمادهای مسیحی

برای درک عمیق‌تر مفاهیم مسیحی در تلماسه، باید به بستر فرهنگی و تاریخی آن‌ها توجه کرد. به‌عنوان مثال، صلیب در مسیحیت، نمادی از تحمل رنج و نجات بشریت است که در زمینه‌ی تاریخی رومیان و نقش مسیح در غلبه بر گناه معنا پیدا می‌کند. در اسلام نیز مفاهیمی مانند **جهاد اکبر** به معنای غلبه بر نفس و ایستادگی در برابر وسوسه‌ها، جایگاهی کلیدی دارند (مطهری، ۱۳۸۸: ۷۵). **قربانی**، مفهومی دیگر است که در مسیحیت ریشه در عهد قدیم دارد و با فداکاری مسیح تکمیل می‌شود. در اسلام نیز این مفهوم معنوی، به‌صورت برجسته در اعمال عبادی همچون قربانی حج جلوه‌گر می‌شود (مطهری، ۱۳۸۸: ۷۵).

در مورد **پیشگویی**، در مسیحیت این موضوع با وعده‌های الهی برای رهایی و عدالت گره خورده است. در اسلام نیز، آیات مرتبط با قیامت و ظهور امام مهدی (عج) به‌عنوان بخش مهمی از تحقق وعده‌های الهی مطرح‌اند که هدف‌شان هدایت انسان به‌سوی حقیقت است (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۵: ۱۱۹).

بخش سوم: دیدگاه یهودیت

شباهت‌های تاریخی و نمادشناسی در یهودیت و تلماسه

یکی از موضوعات کلیدی که در تحلیل تلماسه از منظر یهودیت برجسته می‌شود، شباهت‌های تاریخی و نمادین میان سفرِ مردم بنی‌اسرائیل به سرزمین موعود و داستان مردم فرمن است. در کتاب مقدس یهودیان، سفر مردم بنی‌اسرائیل از مصر به سرزمین موعود با چالش‌ها، آزمون‌ها، و هدایت الهی همراه بوده است. این موضوع با سفر و مبارزات مردم فرمن در سیاره آراکیس برای آزادی و دستیابی به آینده‌ای روشن تطابق دارد (ایدل^۱، ۱۹۹۳: ۷۵).

^۱ Idel

از جمله نمادهای برجسته، نقش آب به‌عنوان منبعی حیاتی و مقدس است. در یهودیت، آب نمادی از پاکی، حیات و عهد الهی به‌شمار می‌رود. در تلماسه نیز، آب جایگاهی مقدس در فرهنگ مردم فرمن دارد و با مفاهیمی چون بقا، اتحاد و پاکی پیوند خورده است. این شباهت میان اهمیت آب در یهودیت و تلماسه، نشان‌دهنده‌ی تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم آموزه‌های مذهبی در شکل‌گیری این جهان علمی - تخیلی است. موشه ایدل در مقاله‌ای با عنوان «گل و آب: به‌سوی تاریخ یک تمثیل در قبالا»^۱ به نقش دوگانه‌ی آب در متون عرفانی یهودی به‌عنوان نماد حیات و پیوند با الوهیت اشاره می‌کند (ایدل، ۲۰۰۴: ۹۸-۱۰۰).

در تلماسه، مفهوم «چرخه آب» در جامعه فرمن، با جمع‌آوری و نگه‌داشت مقدس آب، به‌نوعی آیین هم‌تراز با تطهیرهای دینی یهودی تبدیل می‌شود. همچنین، استفاده‌ی جمعی و همبسته از آب، نقش آن را به‌عنوان عامل اتحاد اجتماعی تثبیت می‌کند، و این دقیقاً مشابه مراسم تطهیر و غسل در آیین‌های یهودی است.

مفهوم منجی و شباهت‌های مذهبی

در یهودیت، انتظار برای ظهور منجی یا «ماشیح» (مسیح؟) یکی از مفاهیم اصلی است. این منجی در باورهای یهودی نقش مهمی در برقراری عدالت و صلح جهانی دارد. در تلماسه نیز، شخصیت پل آتریدیس به‌عنوان منجی مردم فرمن معرفی می‌شود. این تطابق نشان‌دهنده شباهت‌های عمیق میان باورهای یهودی و موضوعات مطرح‌شده در این داستان است. پل به‌عنوان فردی که سرنوشت او برای تغییر سرنوشت مردم فرمن تعیین شده است، نقشی مشابه به ماشیح دارد (گرین، ۲۰۱۶؛ فصل اول).

یکی دیگر از شباهت‌ها، تأکید بر تحقق پیشگویی‌ها در هر دو مذهب است. در یهودیت، ظهور منجی و آزادی بنی‌اسرائیل از ظلم به‌عنوان بخشی از وعده‌های الهی مطرح شده است. در تلماسه، پیشگویی‌های مذهبی درباره پل و توانایی او برای هدایت مردم فرمن، پایه‌گذار داستان است. این موضوع نه تنها به شباهت‌های مفهومی میان این دو روایت اشاره دارد، بلکه نشان می‌دهد که تلماسه چگونه از عناصر مذهبی یهودیت الهام گرفته است (ایدل، ۱۹۹۳). این پیشگویی‌ها در هر دو بستر مذهبی و داستانی به‌عنوان محرکی برای ایجاد تغییرات اجتماعی و اخلاقی عمل می‌کنند. در یهودیت، منجی کسی است که علاوه بر آزادی جسمانی، رهایی معنوی را نیز به ارمغان می‌آورد. در تلماسه، پل نه تنها به‌عنوان رهبر نظامی، بلکه به‌عنوان یک نماد روحانی شناخته می‌شود که باید مردم خود را به آینده‌ای بهتر هدایت کند.

^۱ The Mud and the Water: Towards a History of a Simile in Kabbalah

^۲ Greene

شباهت‌های میان این دو رویکرد نشان می‌دهد که نویسنده متن روایی تلماسه از ایده‌های مذهبی یهودیت به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم الهام گرفته است.

آزمون‌های اخلاقی و رهبری

یهودیت بر اهمیت آزمون‌های اخلاقی و رهبری تأکید زیادی دارد. در تاریخ یهودیت، رهبرانی هم‌چون موسی با چالش‌های متعدد اخلاقی و اجتماعی مواجه شدند تا مردم خود را به سوی رهایی هدایت کنند. در تلماسه نیز، پل آتریدیس با تصمیم‌گیری‌های سخت و آزمون‌های اخلاقی روبرو می‌شود که نشان‌دهنده تطابق این موضوعات است. این آزمون‌ها نه تنها نقش پل به‌عنوان رهبر را تقویت می‌کند، بلکه به توسعه شخصیتی او نیز کمک می‌کند. یکی از مهم‌ترین آزمون‌های پل در این زمینه، مواجهه او با تصمیمات سیاسی و اخلاقی مرتبط با مردم فرمن است. او باید تصمیم بگیرد که چگونه می‌تواند از منابع آراکس به‌گونه‌ای استفاده کند که به عدالت اجتماعی و رفاه مردم بیانجامد. این موضوع شبیه به داستان‌های رهبران یهودی در تاریخ است که باید میان ایمان و عمل تعادل برقرار کنند. به‌عنوان مثال، تصمیم پل برای مقابله با ظلم و ستم حکومتی، شبیه به تلاش‌های موسی برای آزاد کردن بنی‌اسرائیل از ظلم فرعون است. این مقایسه نشان می‌دهد که چگونه نویسنده از داستان‌های تاریخی یهودیت برای ساختن روایت قهرمانانه پل استفاده کرده است.

نقد و بررسی: نمادها و مفاهیم یهودیت در بستر فرهنگی و تاریخی

با وجود شباهت‌های عمیق میان آموزه‌های یهودیت و موضوعات مطرح‌شده در تلماسه، نحوه بازنمایی این مفاهیم از سوی برخی منتقدان با ایراداتی مواجه شده است. این انتقادات به‌ویژه بر ساده‌سازی و تغییر معنای اصلی نمادها و مفاهیم یهودیت تأکید دارند، به‌طوری‌که بسیاری از عناصر عمیق و تاریخی این دین به شکل ابزاری برای تقویت جذابیت داستانی استفاده شده‌اند.

نمادها و مفاهیم یهودیت و اهمیت بستر تاریخی آن‌ها

یکی از مفاهیمی که در تلماسه با آموزه‌های یهودیت پیوند یافته، مفهوم «قوم برگزیده» است. در سنت یهودی، قوم اسرائیل به‌عنوان مردمی که عهده‌ی الهی با خدا دارند، به‌ویژه در بستر تاریخی تبعید، آزادی و بازگشت به سرزمین موعود شناخته می‌شوند. اما در تلماسه، این مفهوم به مردم فرمن و ارتباط آن‌ها با پل آتریدیس منتقل می‌شود. مردم فرمن به‌عنوان «قوم برگزیده» پل معرفی شده‌اند، اما این تصویر بیش از آنکه جنبه‌های معنوی و عهد الهی را برجسته کند، چنانکه درباره‌ی ادیان اسلام و مسیحیت گفتیم، بر توانایی نظامی و استراتژیک آن‌ها برای سرنگونی دشمن تأکید دارد. این تغییر مانند آنچه درباره‌ی اسلام و مسیحیت توضیح

دادیم، می‌تواند به برداشت نادرستی از مفهوم قوم برگزیده منجر شود که در یهودیت به‌طور عمیق با مسئولیت معنوی و اخلاقی گره خورده است (ایدل، ۱۹۹۳: بخش دوم). در متون اسلامی نیز مفهوم «قوم برگزیده» مورد بحث قرار گرفته است، اما این انتخاب الهی همواره توأم با مسئولیت‌های سنگین اخلاقی و معنوی و نه به‌عنوان مزیتی ذاتی یا یک برتری سیاسی مطرح شده است (مطهری، ۱۳۸۸: ۱۲۰). یکی دیگر از نمادهای مهم در یهودیت، مفهوم «سرزمین موعود» است. این مفهوم در یهودیت نه تنها به مکان جغرافیایی خاصی اشاره دارد، بلکه با وعده‌های الهی، امید و پایداری در مواجهه با سختی‌ها نیز مرتبط است. در تلماسه، آراکس به‌عنوان سرزمین موعود فرم‌ها به تصویر کشیده شده، اما بازنمایی آن عمدتاً حول منابع طبیعی «اسپایس» و ارزش استراتژیک آن برای کنترل کهکشان متمرکز است. این دیدگاه به شکلی مادی‌گرایانه از سرزمین موعود ارائه شده و جنبه‌های الهی و آرمانی آن در یهودیت را کمرنگ می‌کند. در آموزه‌های اسلامی نیز مفهوم سرزمین وعده‌داده شده وجود دارد، اما این سرزمین همواره به‌عنوان فضایی برای عبادت، رشد معنوی و عدالت تعریف شده است (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۵: ۱۱۹).

تصویر منجی در یهودیت و تطابق با داستان تلماسه

در یهودیت، مفهوم منجی «ماشیح» به‌عنوان فردی که از سوی خداوند مأمور به آوردن صلح جهانی، عدالت و بازگشت به ایمان حقیقی است، اهمیت ویژه‌ای دارد. این مفهوم در بستر تاریخی یهودیت، به‌ویژه در دوران تبعید و رنج، به امیدی الهی برای رهایی از ظلم تبدیل شده است. اما در تلماسه، چنانکه پیش‌تر گفته‌ایم پل آتریدیس به‌عنوان منجی معرفی می‌شود که کمتر به آموزه‌های اخلاقی و معنوی متکی است تا به روش‌های نظامی و سیاسی.

این تغییر در تصویر منجی، هم‌چنان که در دو دین اسلام و مسیحیت دیدیم، باعث می‌شود مفهوم «ماشیح» در یهودیت به شکل یک رهبر نظامی و بلکه یک استراتژیست بازتعریف شود که از آموزه‌های عمیق معنوی یهودیت نیز فاصله دارد (نواک، ۲۰۰۹: ۱۶۰). این بازنمایی هم‌چنین با آموزه‌های اسلامی درباره امام مهدی (عج) تفاوت دارد، چرا که در اسلام، امام مهدی (عج) بر ایجاد صلح و عدالت جهانی از طریق معنویت و حکمت تأکید دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۲، ج ۱۱: ۳۸۶).

هم‌چنین، استفاده از پیشگویی‌های مرتبط با ظهور منجی در تلماسه بیشتر به‌عنوان ابزاری برای کنترل اجتماعی و تحریک مردم به شورش علیه ظلم استفاده شده است. در حالی که در یهودیت، پیشگویی‌های مربوط به منجی ماهیتی الهی و وعده‌ای برای تحقق عدالت جهانی

دارند که نمی‌توان آن را با ملاحظات سیاسی یا اهداف استراتژیک آلوده کرد (نواک، ۲۰۰۹: ۱۷۸).

نمادهای یهودی و بستر فرهنگی آنها

برای درک بهتر مفاهیم یهودیت در تلماسه، ضروری است که این مفاهیم در بستر فرهنگی و تاریخی خود مورد بررسی قرار گیرند:

قوم برگزیده: این مفهوم در یهودیت با مسئولیت اخلاقی و معنوی همراه است و نباید صرفاً به معنای توانایی نظامی یا برتری سیاسی تعبیر شود (مطهری، ۱۳۸۸: ۱۲۰).

سرزمین موعود: اهمیت این نماد در یهودیت فراتر از منابع مادی یا استراتژیک است و به‌عنوان نمادی از امید، عهد الهی و تحقق وعده‌های الهی شناخته می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۵: ۱۱۹). ماشیح (منجی): در یهودیت، ماشیح بیشتر به‌عنوان یک رهبر معنوی دیده می‌شود که صلح و عدالت جهانی را به ارمغان می‌آورد، نه یک جنگجوی سیاسی که برای دستیابی به قدرت تلاش می‌کند (نواک، ۲۰۰۹: ۱۶۰).

پیشگویی‌ها: پیشگویی‌های یهودی باید به‌عنوان نشانه‌هایی الهی برای هدایت و امید درک شوند، نه ابزارهایی برای تحریک انقلابی‌گری یا کنترل اجتماعی (همان: ۱۷۸).

تحلیل کارکرد آموزه‌های یهودیت در تلماسه

بسیاری از تحلیلگران معتقدند که استفاده از آموزه‌های یهودیت در تلماسه به جای آنکه صرفاً به نادرست بودن این بازنمایی منجر شود، فرصتی را برای معرفی مفاهیم یهودیت به مخاطبان جدید فراهم می‌کند. هرچند این معرفی گاه با تغییراتی همراه است، اما می‌تواند الهام‌بخش مخاطبان برای مطالعه عمیق‌تر تاریخ و فرهنگ یهودیت باشد. با این حال، این تغییرات ممکن است باعث سوءبرداشت‌هایی شود که درک دقیق آموزه‌های یهودیت را دشوار سازد. در مجموع و با این ملاحظات می‌توان دانست که استفاده از نمادها و مفاهیم یهودیت در تلماسه، اگرچه به‌غناي داستان کمک کرده، اما گاه باعث تحریف معنای اصلی آنها شده است. برای جلوگیری از سوءبرداشت‌ها، ضروری است که این مفاهیم در بستر فرهنگی و تاریخی یهودیت بررسی شوند. این رویکرد نه تنها می‌تواند به درک دقیق‌تر آموزه‌های یهودیت کمک کند، بلکه احتمالاً به ایجاد پلی میان ادبیات داستانی و آموزه‌های معنوی و تاریخی ادیان نیز منجر می‌شود.

بخش چهارم: تحریف‌های مذهبی در فیلم تلماسه

تغییر مفاهیم مذهبی و استفاده از آنها در داستان. فیلم تلماسه به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین آثار علمی - تخیلی، به گونه‌ای که یاد شد به‌طور خلاقانه از مفاهیم مذهبی برای

ایجاد جذابیت داستانی استفاده کرده است. با این حال، باید دوباره خاطر نشان کنیم که این استفاده همراه با تغییراتی است که می‌تواند باعث سوءتفاهم درباره این مفاهیم شود.

تحریف مفهوم «جهاد» در تلماسه

یکی از بارزترین تغییرات مفهومی در تلماسه، **بازتعریف واژه‌ی «جهاد»** است. «جهاد» در سنت اسلامی به معنای تلاش در راه خدا در نظر گرفته می‌شود و جنبه‌های گوناگونی را در بر می‌گیرد، از جمله: **جهاد اکبر**، یعنی مبارزه درونی با نفس برای تعالی اخلاقی و رشد روحانی؛ **جهاد اصغر** یعنی دفاع در برابر ظلم و تجاوز؛ **جهاد کبیر**: دعوت به حقیقت از راه علم، منطق و گفت‌وگو. در منابع معتبر اسلامی، مانند جهاد در اسلام اثر مطهری، بر اهمیت **بعد معنوی جهاد** به‌ویژه جهاد اکبر تأکید شده است (مطهری، ۱۳۷۹: ۲۳). همچنین، سید حسین نصر در قلب اسلام اشاره می‌کند که جهاد، پیش از آنکه مفهومی نظامی باشد، مفهومی روحانی است که با تعالی اخلاقی، خودسازی و خدمت به حقیقت پیوند دارد (نصر، ۲۰۰۲: ۷۰). با این حال، در روایت تلماسه، جهاد به شکلی **یک‌بعدی** نمایش داده می‌شود: صرفاً به‌عنوان جنگی نظامی و خشونت‌آمیز علیه دشمنان خارجی. این تصویر ساده‌انگارانه، نه تنها با واقعیت عمیق و چندلایه‌ی این مفهوم در اسلام فاصله دارد، بلکه ممکن است **برداشت مخاطبان غربی** از اسلام را نیز به شکلی منفی و تقلیل‌گرایانه تحت تأثیر قرار دهد.

ادوارد سعید در شرق‌شناسی به‌روشنی نشان می‌دهد که چگونه چنین تحریف‌هایی در متون فرهنگی و ادبی می‌توانند تصویری مغشوش و سیاسی‌شده از اسلام ارائه دهند (۱۹۷۸: ۹-۱۱). جان اسپوزیتو نیز در آثار خود با تأکید بر سوءبرداشت‌های رایج درباره جهاد، بر اهمیت **بازنمایی متعادل و علمی** این مفهوم در فضای عمومی و رسانه‌ای تأکید دارد (اسپوزیتو، ۲۰۱۱: ۲۵-۳۱؛ ۲۰۱۶: ۱۴۱).

منجی‌گرایی سیاسی‌شده. پیش از این گفته شد که مفهوم منجی در ادیان ابراهیمی، نمادی از عدالت، نجات‌بخشی، و تحقق وعده‌های الهی است. این مفهوم بر اصولی مانند اخلاق، عشق، و فداکاری تأکید دارد. در تلماسه، به نوعی که در بحث از هر سه دین بیان شد، منجی‌گرایی از این اصول فاصله گرفته و بیشتر به یک رهبر نظامی و سیاسی تبدیل گردیده است که برای اهداف خود، از اعتقادات مردم بهره‌برداری می‌کند. پل آتریدیس، به‌عنوان شخصیت منجی «کوئیزاتس هدرخ»^۱ در داستان، نه تنها الهام‌بخش مردم نیست، بلکه از اعتقادات فرمان‌ها برای پیشبرد جاه‌طلبی‌های شخصی و خانوادگی خود بهره می‌برد. این

^۱ Kwisatz Haderach

بازنمایی، مفاهیم معنوی منجی‌گرایی را به‌حاشیه رانده و به مخاطبان تصویری ناقص و تحریف‌شده از این آموزه ارائه می‌دهد. خود این امر نشان‌دهنده نوعی استفاده ابزاری از مفهوم منجی است که برخلاف آموزه‌های اسلامی، مسیحیت و یهودیت است. در این ادیان، منجی کسی است که به واسطه ویژگی‌های اخلاقی و الهی، جامعه را به‌سوی رستگاری هدایت می‌کند. در این میان، نقش مردم فرمن نیز جالب توجه است. فرمن‌ها به‌عنوان مردمی که به شدت به پیشگویی‌ها و مفاهیم مذهبی پایبند هستند، بازتاب‌دهنده جوامعی‌اند که دین در هویت و بقای آن‌ها نقش محوری ایفا می‌کند. این تصویر اگرچه ممکن است تا حدی به واقعیت‌های تاریخی شباهت داشته باشد، اما نمایشی سطحی از رابطه پیچیده دین و فرهنگ در جوامع انسانی ارائه می‌دهد.

ساده‌سازی مفاهیم دینی

استفاده ابزاری از پیشگویی‌ها

ساده‌سازی مفاهیم مذهبی یکی دیگر از جنبه‌های قابل‌توجه در تلماسه است. پیشگویی‌هایی که درباره پل آتریدیس وجود دارد، بیشتر به افسانه‌های عامیانه شباهت دارند تا آموزه‌های عمیق مذهبی. گویا تلماسه برای جلب مخاطب گسترده‌تر، مفاهیم پیچیده دینی را ساده‌سازی کرده است. برای نمونه، پیشگویی‌هایی که درباره پل آتریدیس وجود دارد، در قالب افسانه‌های عامیانه و با هدف پیشبرد روایت داستانی بیان شده‌اند. درحالی‌که در ادیان ابراهیمی، پیشگویی‌ها به‌عنوان راهنمایی‌های الهی و نشانه‌هایی برای تقویت ایمان تلقی می‌شوند. این راهنمایی‌ها معمولاً با اهداف اخلاقی و معنوی عمیق گره خورده‌اند؛ دراین فیلم، پیشگویی‌ها از معنا و اصالت خود تهی شده است. استفاده ابزاری از پیشگویی‌ها، به‌ویژه در برخورد پل با فرمن‌ها، نشان‌دهنده این است که باورهای مذهبی می‌توانند در خدمت اهداف سیاسی قرار گیرند. این بازنمایی، نقش مقدس و معنوی پیشگویی‌ها را کمرنگ کرده است و دین را به ابزاری در خدمت قدرت سیاسی تقلیل می‌دهد (آرمسترانگ، ۲۰۰۹: ۳۰۰). این ساده‌سازی مفاهیم مذهبی ممکن است به جذابیت داستان کمک کند، اما از دیدگاه مذهبی می‌تواند به تحریف مفاهیم منجر شود. به‌عنوان مثال، استفاده از اصطلاحاتی مانند «ماه‌دی» (موادیب) یا «کوییزاتس هدرخ» که به نوعی به منجی‌گرایی اشاره دارند، بدون توجه به بار معنایی آن‌ها در ادیان مختلف، می‌تواند باعث ایجاد برداشت‌های سطحی از این مفاهیم شود.

مثال دیگر ساده‌سازی مفهوم «تقوا» یا پرهیزگاری است که در آموزه‌های اسلامی و مسیحی جایگاه ویژه‌ای دارد. در تلماسه، تقوا به‌عنوان بخشی از فرهنگ فرمن به نمایش درآمده است،

اما این نمایش محدود به آیین‌ها و رسوم سطحی می‌شود. برای نمونه، ارتباط فرمن‌ها با «کرمی بزرگ»^۱ (شیپولد) و اهمیت آن در زندگی آن‌ها بیشتر جنبه عملی و آیینی دارد تا اخلاقی و معنوی. این ساده‌سازی ممکن است باعث شود مخاطبان برداشت کاملی از نقش دین در زندگی فرمن‌ها نداشته باشند. مفهوم تقوا یا پرهیزگاری نیز در فیلم به گونه‌ای محدود ارائه شده است. در اسلام، تقوا به معنای ارتباط عمیق با خداوند و رعایت اصول اخلاقی در تمام جنبه‌های زندگی است. در مقابل، فرهنگ فرمن‌ها، تقوا بیشتر در قالب آیین‌های محافظت از منابع آب و احترام به کرم‌های آراکس به نمایش درآمده است. اگرچه این جنبه‌ها دارای ارزش عملی هستند، اما از نظر عمق معنوی با آموزه‌های اصیل ادیان ابراهیمی فاصله دارند.

استفاده ابزاری از مذهب

یکی از جنبه‌های بحث‌برانگیز در تلماسه، نحوه تعامل دین و سیاست است. در این داستان، دین نه به عنوان منبع الهام و ارتقای معنوی، بلکه به عنوان ابزاری برای کنترل اجتماعی و مشروعیت‌بخشی به قدرت استفاده می‌شود. این بازنمایی، به‌ویژه در نحوه تعامل خانواده آتریدیس با فرمن‌ها، برجسته است. دین در اینجا ابزاری برای تحریک احساسات مردم و ایجاد اتحاد برای اهداف سیاسی است، در حالی که جنبه‌های اخلاقی و معنوی آن کاملاً نادیده گرفته می‌شود. این نوع بازنمایی، می‌تواند این تصور را ایجاد کند که دین همواره در خدمت سیاست بوده و از اهداف الهی خود فاصله گرفته است. یک مثال بارز، نحوه استفاده پل از باورهای مذهبی فرمن‌ها درباره منجی است. او به جای تلاش برای تقویت ایمان آن‌ها یا استفاده از این باورها برای ارتقای معنوی جامعه، از آن‌ها برای تشکیل یک نیروی نظامی و کسب قدرت استفاده می‌کند. این رویکرد بازتاب‌دهنده نوعی «ابزارگرایی دینی» است که در تاریخ بشری نیز مشاهده شده است. برای مثال، در قرون وسطی، کلیساهای مسیحی اغلب با حکومت‌های پادشاهی برای مشروعیت‌بخشی به قدرت خود همکاری داشتند (فوکالت، ۱۹۷۷: ۲۶-۲۸).

استفاده ابزاری از مذهب در تلماسه همچنین به تأثیر مذهب بر روابط قدرت اشاره دارد. پل به عنوان فردی که به لطف پیشگویی‌ها به قدرت می‌رسد، نشان می‌دهد که چگونه باورهای مذهبی می‌توانند برای کنترل اجتماعی و ایجاد ساختارهای سیاسی به کار گرفته شوند. اگرچه این تصویر ممکن است به برخی واقعیت‌های تاریخی شباهت داشته باشد، اما از نگاه منتقدان، به معنای ساده‌سازی نقش عمیق دین در زندگی انسان‌ها است (سعید، ۱۹۷۸: ۱۲-۱۰).

^۱ Sandworm
^۲ Foucault

نمادگرایی مذهبی و نقد آن

فیلم تلماسه از نمادهای مذهبی متعددی بهره می‌برد که برخی از آن‌ها تحریف شده‌اند. به‌عنوان مثال، کرم‌های عظیم‌الجثه در آراکیس به‌عنوان نمادی از قدرت الهی و طبیعت به نمایش درآمده‌اند، اما این نماد بیشتر جنبه اقتصادی و استراتژیک پیدا می‌کند. در فرهنگ فرمن، کرم‌ها به دلیل تولید «اسپایس» که ارزش حیاتی دارد، مقدس هستند. این جنبه اقتصادی، تقدس کرم‌ها را از دیدگاه معنوی دور می‌کند و آن‌ها را به ابزار بقای انسان‌ها تقلیل می‌دهد. یکی دیگر از نمادهای مهم، مفهوم آب است. آب در تلماسه به‌عنوان منبعی کمیاب و ارزشمند، نقشی مقدس دارد. این نماد هم‌چنانکه یادآور شدیم در ادیان مختلف، از جمله اسلام، یهودیت و مسیحیت، به‌عنوان نمادی از پاکی و زندگی شناخته می‌شود. با این حال، در فیلم، استفاده از آب بیشتر به یک مسئله اقتصادی و زیست‌محیطی محدود شده است. این امر می‌تواند باعث شود که مخاطبان نقش معنوی آب را که در بسیاری از ادیان برجسته است، نادیده بگیرند.

تحریف‌های قابل توجه در بستر فرهنگی و تاریخی

برای تحلیل دقیق‌تر این تحریف‌ها، باید آن‌ها را در بستر فرهنگی و تاریخی خود مورد بررسی قرار داد. برخی از مهم‌ترین این تحریف‌ها عبارتند از: جهاد: تغییر معنای جهاد از تلاشی معنوی و اخلاقی صرفاً به یک جنگ نظامی. پیشگویی‌ها: استفاده از پیشگویی‌های الهی به‌عنوان ابزاری سیاسی. منجی‌گرایی: تقلیل مفهوم منجی به یک رهبر نظامی و سیاسی. دین و سیاست: نمایش دین به‌عنوان ابزاری برای کنترل اجتماعی. توجه به این بسترها می‌تواند کمک کند تا سوءتفاهم‌هایی که ممکن است از بازنمایی نادرست این مفاهیم در آثار علمی-تخیلی مانند تلماسه ایجاد شود، کاهش یابد.

تحریف‌های قابل توجه دیگری که باید در نظر گرفته شوند

برخی از تحریف‌های دیگر که در تلماسه به چشم می‌خورند و باید با دقت بیشتری بررسی شوند:

دین و استعمار: نمایش دین به‌عنوان ابزاری برای استعمار فرهنگی و سیاسی، که ممکن است تصویر مثبتی از دین به مخاطب منتقل نکند. قدرت و معنویت: تفکیک‌ناپذیری قدرت سیاسی از ارزش‌های معنوی، که باعث می‌شود دین به‌جای الهام‌بخش بودن، ابزاری برای تسلط به نظر برسد. زبان و نمادها: استفاده از زبان‌ها و نمادهای مذهبی به‌صورت پراکنده و بدون ارتباط عمیق با بستر تاریخی آن‌ها، که می‌تواند معنای اصلی آن‌ها را از بین ببرد.

تحریف‌های مذهبی در تلماسه، اگرچه داستان را پیچیده‌تر و جذاب‌تر می‌کنند، اما چنانکه گفتیم ممکن است بر درک عمومی از مفاهیم دینی تأثیر منفی بگذارند. این امر به‌ویژه در میان مخاطبانی که دانش عمیقی از ادیان مختلف ندارند، نگران‌کننده است. بررسی این تحریف‌ها در بستر فرهنگی و تاریخی، می‌تواند به شفاف‌سازی مفاهیم اصلی کمک کند و فضایی برای گفت‌وگو درباره رابطه دین، هنر، و سیاست ایجاد کند. برای کاهش اثرات منفی این تحریف‌ها، نویسندگان و تحلیل‌گران می‌توانند با ارائه تفسیرهای دقیق‌تر و علمی‌تر از این مفاهیم، به آگاهی‌بخشی مخاطبان کمک کنند و از تقلیل مفاهیم مذهبی به کلیشه‌ها و برداشت‌های ساده‌انگارانه جلوگیری نمایند.

نتیجه‌گیری

جهان داستان و به‌ویژه فیلم تلماسه چنانکه پیداست با تکیه بر تخیل، وامدار مؤلفه‌هایی است که از دل ادیان بزرگ (یهودیت، مسیحیت و اسلام) برخاسته است. نمادگرایی زمانی و مکانی و شخصیت‌پردازی تمثیلی در این فیلم هم با دیدگاه‌های سه دین بزرگ نزدیکی دارد و هم با مفهوم «منجی» چنانکه در این ادیان گفته شده رابطه برقرار می‌کند.

مقوله‌هایی مانند سرزمین مقدس، رنج و رستگاری، پیشگویی و تحقق وعده‌الهی، عدالت‌گستری و نجات، آزمون‌های معنوی و رهبری از عمده‌ترین تکیه‌گاه‌های فرهنگی فیلم تلماسه است. سرچشمه هر یک از مقوله‌های ذکر شده را در سه دین بزرگ و از جمله دو مذهب تشیع و تسنن می‌توان باز یافت. در عین حال باید دانست که در کاربرد مقوله‌های فوق به دلایل مختلفی انحراف‌ها و تحریف‌های کم و زیادی رخ داده است. در برخی نمونه‌ها مانند جهاد، تحریف ایجاد شده و در برخی نمونه‌ها مانند منجی، سیاست‌زدگی اقدامات مبتنی بر آرمان نجات، اصول دینی بنا شده بر اخلاق و معنویت را به انحراف می‌کشاند. سیاست‌زدگی و استفاده‌ی ابزاری از بعضی مفاهیم معنوی در مجموع، روند رویدادها را به سمت قدرت‌طلبی و انحصارگرایی متمایل می‌کند و در نهایت پی می‌بریم که مفهوم منجی، نه در خدمت مردم و پیروان یک آیین، بلکه در خدمت حاکمان و پیشوایان سودجوی سیاسی است. این بهره‌برداری نامتوازن بیش و کم موجب تقدس‌زدایی از برخی مقوله‌های اصلی دینی در فیلم تلماسه شده است.

منابع

۱. پریمی، ا. (۱۴۰۰). *نقد فیلم Dune یک اقتباس سینمایی جاه طلب*. ویجیاتو.
۲. خبرگزاری مهر. (۲۰۲۳). *چگونه هالیوود فرهنگ عرب و مسلمان را حذف می‌کند؟ نقد «تلماسه»*. خبرگزاری مهر.
۳. شریعتی، علی. (۱۳۸۵). *اسلام‌شناسی*. تهران: انتشارات قلم.
۴. طباطبائی، محمدحسین. (۱۳۷۸). *المیزان فی تفسیر القرآن*. ج ۵. قم: دفتر انتشارات اسلامی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۵. فرج‌نژاد، ا. (۱۴۰۳ الف). *نقد فیلم تلماسه Dune قسمت اول ۲۰۲۱ امام زمان بر پرده سینمای هالیوود*. وبسایت فرج‌نژاد.
۶. فرج‌نژاد، ا. (۱۴۰۳). *نقد فیلم Dune 2 (تلماسه ۲) نمایش امام زمان دروغین*. وبسایت فرج‌نژاد.
۷. مرکز مطالعات یهود. (۱۴۰۲). *تلماسه*. تخریب منجی ادیان در جهانی اساطیری.
۸. مطهری، مرتضی. (۱۳۷۹). *جهاد*. تهران: صدرا.
۹. _____ . (۱۳۸۸). *انسان کامل*. تهران: صدرا.
۱۰. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۹۲). *تفسیر نمونه*. ج ۱۱. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۱. Armstrong, K. (2009). *The Case for God*. Knopf.
۱۲. Durrani, H. (2021, October 24). *The Muslimness of Dune: A Close Reading of 'Appendix II: The Religion of Dune'*. Reactor. <https://reactormag.com/the-muslimness-of-dune-a-close-reading-of-appendix-ii-the-religion-of-dune/>
۱۳. Esposito, J. (2011). *What Everyone Needs to Know about Islam*. Oxford University Press.
۱۴. Esposito, J. (2016). *Islam: The Straight Path*. Oxford University Press.
۱۵. Forhan, C. (2022, April 1). *The One: "Dune's" Paul Atreides as the Quintessential Messiah*. POV Winona.
۱۶. <https://academics.winona.edu/povwinona/the-one-dunes-paul-atreides-as-the-quintessential-messiah/>
۱۷. Foucault, M. (1977). *Discipline and Punish: The Birth of the Prison (A. Sheridan, Trans.)*. Vintage Books. (Original work published ۱۹۷۵)
۱۸. Greene, J. T. (Ed.). (2016). *The Fruits of Madness: Perspectives on the Prophetic Movements in Three Traditions*. Cambridge Scholars Publishing.
۱۹. Herbert, F. (1965). *Dune*. Chilton Books.
۲۰. Idel, M. (1993). *Messianic mystics*. Yale University Press.

۲۱. Idel, M. (2004). *The Mud and the Water: Towards a History of a Simile in Kabbalah*. The Jewish Quarterly Review, 94(1), 98–110.
۲۲. Jacob, F. (2022). *The Orientalist Semiotics of Dune: Religious and Historical References within Frank Herbert's Universe*. Büchner-Verlag.
۲۳. Kennedy, K. (2021). *Women's Agency in the Dune Universe: Tracing Women's Liberation through Science Fiction*. Palgrave Macmillan
۲۴. Kleiss, M. (2016). *Cinematic Representations of Religion*. London: Routledge.
۲۵. Nasr, S. H. (2002). *The Heart of Islam: Enduring Values for Humanity*. HarperOne.
۲۶. Nasr, S. H. (2007). *Islamic Spirituality: Foundations*. Routledge.
۲۷. Novak, D. (2009). *Jewish Eschatology*. In J. L. Walls (Ed.), The Oxford Handbook of Eschatology (pp. 35–50). Oxford University Press.
۲۸. Parsons, M. (2024). *Biblical Symbolism in Dune (2021)*. The Symbolic World.
۲۹. Pearson, J. (2021). *The Contested Politics of 'Dune'*. Tribune.
۳۰. Pottorff, G. (2018). *Misanthropic Messiahs: Timon of Athens and Dune*. Fafnir – Nordic Journal of Science Fiction and Fantasy Research, 5(2), 7–۱۴
۳۱. Said, E. W. (1978). *Orientalism*. Pantheon Books.
۳۲. Semler, S. (2011). *Dune and Philosophy: Weirding Way of the Mentat*. Open Court.
۳۳. Singh, S. (2013). *Messiahs and Martyrs: Religion in Selected Novels of Frank Herbert's Dune Chronicles (Master's thesis)*. University of South Africa
۳۴. Smith, S. (2018, February 12). *The Theology of Dune*. Scott Smith Blog.
۳۵. Stoeber, M. (2017, January 25). *The Comparative Study of Mysticism*. Oxford Research Encyclopedia of Religion.
۳۶. Vadadi, R. J. (2023). *A comparative analysis between The Mahdi from Dune (2021) and Imam Mahdī in the Twelver Shi'a tradition*. International Conference on Shi'a Studies, London, pp 215-227.
۳۷. Villeneuve, D. (2021). (Director). *Dune [Film]*. Warner Bros. Pictures.
۳۸. <https://www.thesymbolicworld.com>
۳۹. <https://www.thescottsmithblog.com>.

۴۰. <https://jscenter.ir>
۴۱. <https://www.mehrnews.com>
۴۲. <https://vigiato.net>
۴۳. <https://farajnejad.ir>
۴۴. <https://farajnejad.i>
۴۵. <https://doi.org>

***Dune* and Its Debt to the Concept of the “Savior”**

Abstract

Dune is a landmark work in the science fiction genre, narrating the struggles among noble houses across unknown galaxies as they battle for power and survival. The film’s complex storytelling, deep symbolism, and incorporation of diverse cultural and religious elements create fertile ground for various interpretations - especially regarding religious parallels and distortions. Focusing on apocalyptic themes and the role of religion in shaping future societies, *Dune* raises significant questions about faith, power, and the future of humanity through the lens of the “savior” figure. This article explores how *Dune* reflects and reframes elements of the three major monotheistic religions - Judaism, Christianity, and Islam - through mirroring, fantasy, and adapted terminology. The study reveals that the film refracts certain spiritual and moral dimensions of these faiths into narratives of political ambition and power-seeking. It attempts to shift the religious concept of the “savior” away from justice and spirituality toward a willful, self-serving pragmatism. In doing so, *Dune* intertwines religious motifs with worldly ambition, suggesting an intentional desacralization of core religious concepts.

Keywords: *Dune*, Judaism, Christianity, Islam, Savior, Distortion.